

استاد سید محمد حسین جلالی نمونه عزم و همت - سید علی طباطبائی یزدی

علمی - ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هفدهم، شماره ۶۸ «ویژه قرآن و حدیث»، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۶۹-۱۸۴

استاد سید محمد حسین جلالی نمونه عزم و همت

سید علی طباطبائی یزدی*

چکیده: این گفتار در باره سید محمد حسین جلالی (۱۳۶۲ کربلا - ۱۴۴۲ آمریکا) عالم محدث کتابشناس رجالی است که نزدیک به نیمی از عمر خود را در هجرت گذراند. شرح حال، نسب و اساتید جلالی، هفت نکته از منش و روش علمی و عملی جلالی در دفاع از تشیع و ترویج آن، فهرست تألیفات و مشایخ اجازات جلالی از شیعه و سنی و زیدی در این گفتار بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: جلالی، سید محمد حسین؛ کتابشناسی؛ علم الحدیث؛ حوزه علمیه کربلا؛ دانشوران شیعی - قرن چهاردهم و پانزدهم؛ اجازات حدیثی.

۱. پژوهشگر، کتابشناس، حوزه علمیه قم. مدیر مؤسسه محقق طباطبایی alitbtb@gmail.com

حضور مستمرّ چهل و چند سالهٔ یک عالم فرهیخته و دانشمند و کتابشناس برجستهٔ مسلمان در آمریکا، - کسی که در مرکز حوزه شیعی، سالها تحصیل علم کرده و در محضر بزرگانی زانو زده از قبیل علامه شیخ آقابزرگ طهرانی و آیت الله خوئی و... که الگوی پژوهش و تتبع و مطالعه دقیق آثار قدما بودند - نادر، بلکه بی نظیر بوده است و برای جامعهٔ آمریکایی و مسلمانان آنجا بسیار مغتنم.

استاد سید محمدحسین جلالی، محققى بود، از طبقهٔ عالمانی که در فضای نجف قدیم، و در کنار قله‌های فضیلت علمی و اخلاقی زیسته‌اند و هوای کتاب و رساله و یادداشت و سند و نسخه خطی و بحث و نظر و درس و مناظره را استنشاق کردند و خواندند و نوشتند و تصحیح کردند و متون کهن را واریسی کردند و به سنت دنباله‌دار مشایخ روایت و درایت و تدقیق و تنقیب در سطر به سطر و کلمه به کلمهٔ میراث متکلمان و محدثان و ادیبان و لغویان و مورخان و مفسران و رجالیان عالم اسلام، در قرون متمادی، از هند تا اندلس و از یمن تا ماوراء النهر، جدّ و جهد کردند و از بام تا شام و تابستان و زمستان، در ایام تحصیل و تعطیل، در عسرت و شدت، از فحص و تتبع و تأمل فروگذار نکردند.

زندگی و تحصیلات

پدر و جد پدری او در کربلا از علما بودند، و جد مادریش آیت الله سید محمدهادی خراسانی نیز از فقهای بنام بود.^۱

۱. خاندان جلالی از خاندان‌های علمی و مشهورند. برادران مرحوم استاد جلالی، یعنی سید محمدتقی و سید محمدرضا و سید محمدجواد جلالی نیز در فعالیت علمی و خدمات دینی نام آورند. سید محمدتقی جلالی، در شهر قاسم که از شهرهای عراق بود فعالیت بسیار داشت و مدرسه‌ای نیز در آن شهر تأسیس

وقتی استاد جلالی در سال ۱۳۲۲ شمسی به دنیا آمد، پدرش تاریخ تولدش را به عربی ثبت کرد، به این مضمون: «نور چشمی، سید محمد حسین، که خداوند او را محفوظ بدارد، در روز جمعه هنگام غروب سیزدهم صفر الخیر سال ۱۳۶۲ ق. به دنیا آمد».

استاد جلالی مقدمات را نزد شیخ عبدالکریم شیرازی و کبری در منطق را نزد برادر شهیدش سید محمدتقی جلالی آموخت. هدایه و صمدیه و سیوطی و مطولک و حاشیه را نزد شیخ جعفر رشتی و شرح لمعه را نزد پدرش و سید عبدالله خویی و شیخ محمد شاهرودی و معالم را نزد شیخ علی عیثان و شیخ یوسف خراسانی آموخت.

در هفده سالگی به دستور پدرش راهی نجف اشرف شد تا مشغول به تحصیلات عالی شود. در نجف در حجره‌ای در مدرسه صدر ساکن شد و از اساتید بزرگ نجف بهره برد. مکاسب را نزد شیخ صدرا بادکوبی و آیت الله سید علی سیستانی

کرد و بعدها به شهادت رسید. استاد ما محقق بزرگوار آیه الله سید محمد رضا جلالی، از محققان بسیار پرکار و ارجمند در عرصه متون کهن و تراجم نگاری و تاریخ نگاری و حدیث پژوهی هستند و برخی از تألیفات ایشان نیز به فارسی برگردانده شده. از جمله سیره و سیمای امام حسین^۷ به ترجمه دوست محقق ما جناب جو یا جهان بخش توسط انتشارات اساطیر در تهران منتشر شده است. مجله علوم الحدیث که سالها به همت ایشان به زبان عربی^۶ منتشر می شد، از بهترین مجلات در این زمینه است. پرداختن به شخصیت علمی ایشان خود فرصتی فراخی طلبد. خداوند به ایشان عمر طولانی عطا کند. درباره خاندان جلالی کتابی را مرحوم سید محمد حسین جلالی تألیف و منتشر کرده است و به تفصیل به معرفی اعلام و عالمان پیشین این خاندان و احوالات و آثار آنان پرداخته است. رضوان الله تعالی علیهم اجمعین.

۱. مدرسه صدر از مدارس قدیمی نجف و ساخته نظام الدوله میرزا محمد حسین خان صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار است. بدین روی به مدرسه صدر یا مدرسه صدر اعظم شهرت یافته است.

و فلسفه را نزد شیخ مسلم ملکوتی سرابی آموخت. نیز در درس خارج فقه آیت الله سید محسن حکیم و اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی و فقه و اصول آیت الله سید حسن بجنوری و آیت الله سید ابوالقاسم خویی حاضر شد. در این میان، به استاد خود آیت الله سید حسن بجنوردی بیش از دیگران نزدیک بود و مورد توجه ایشان بود. در آخر نیز در سال ۱۳۴۵ شمسی از آیت الله بجنوردی اجازهٔ اجتهاد دریافت کرد. نظرات اصولی استادش آیت الله خویی را نیز در کتابی با عنوان «تهذیب مبانی الأصول» انعکاس داد.

در تابستان ۱۳۴۲ شمسی مدتی را در درهٔ مراد بیک در اطراف همدان بود و بعد به زیارت امام رضا^۷ و زمینی به زیارت مکه مکرمه و گزاردن حج^۱ رفت. در این سفر با عالمان مکه دیدار کرد و از ایشان اجازه روایت دریافت کرد. در مکه نگارش «معجم الأحادیث» را آغاز کرد که در الذریعة (ج ۲۱ ص ۲۱۷) مذکور است (و این در دورهٔ جوانی ایشان بود که استادش محقق تهرانی از او تجلیل می کند).

در سال ۱۳۴۷ به انگلستان رفت و مدتی در آنجا ماند. وضعیت مسلمانان در آنجا مورد توجه او قرار گرفت و در این باره نامه‌ای به استادش آیت الله خویی نوشت و پیشنهادهایی نسبت به جامعهٔ مسلمانان انگلستان ارائه کرد. این نامه در نشریهٔ مشهور آن دوره یعنی مجلهٔ العرفان در بیروت منتشر شد.

سپس به دمشق رفت و مشغول تحقیق در کتابخانهٔ عظیم و کم نظیر دار الکتب

۱. جانب ارتباطات علمی و فعالیت کتابخانه‌ای ایشان در مکه و مدینه، ایشان را از انجام مستحبات نگاه نمی داشت. چنان که اخوی معظم ایشان استاد ما آیه الله سید محمد رضا جلالی فرمودند ایشان به استحباب سیصد و شصت طواف عملی کرده و به نیابت تعداد زیادی از علمای طائفه هم، از زمان غیبت صغری تا عصر حاضر، طواف می کرد.

الظاهریه شد که از حیث اشمال بر نسخ خطی بسیار کهن، از کتابخانه‌های خطی مهم دنیاست.

ایشان، در سال ۱۳۵۱ از سوی مرجع بزرگ شیعیان، آیت الله خویی رضوان الله علیه، و به نمایندگی از ایشان به قطر رفت و در دوحه ساکن شد. مرحوم استاد جلالی، وجود خود را در قطر آن روزگار، که در آن، کتاب و کتابخانه و مدرسه چندان مورد توجه نبود، مفید نمی‌دانست. بدین روی، از استاد خود، آیت الله خویی خواست تا از این وظیفه کناره گیرد. با توجه به اوضاع نابسامان عراق در آن روزگار، به نجف بازنگشت، بلکه به قم مهاجرت کرد و به فعالیت علمی خود ادامه داد و در محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز شرکت کرد.

بعد به قاهره سفر کرد و با شخصیت‌های علمی قاهره دیدار کرد و از کتابخانه‌های آنجا بهره‌های فراوان برد. با علمای زیادی از اهل سنت ارتباط نزدیک داشت. کتاب «دلیل القراءات» ایشان در دیوبند (مدرسه حنفی‌ها) چاپ شده است و ظاهراً تنها کتاب شیعی است که آنان منتشر کرده‌اند. بعد از آن به دعوت مسلمانان انگلستان باز به آنجا سفر کرد. مدتی را در انگلستان گذراند و سپس راهی آمریکا شد.

چند نکته از منش و روش مرحوم جلالی

۱. هرچند استاد جلالی تا آخر عمر را در آمریکا ماند، اما در این میان سفرهای بسیاری به نقاط مختلف جهان داشت و با مراکز علمی، کتابخانه‌ها و شخصیت‌های علمی دیدار کرد. یادداشت‌های بسیاری از مطالعات خود در نسخ خطی کتابخانه‌های مصر و یمن و فلسطین و سوریه و ایران و کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی فراهم آورد و با شخصیت‌های علمی بسیاری ارتباط داشت. حجم انبوهی از یادداشت‌های ایشان همچنان تنظیم نشده و به انتشار نرسیده است.

۲. آنچه‌ان که از فهرست آثار او پیداست، اهتمام به میراث حدیثی، اجازات و رجال

اسناد داشت. نَحج البلاغة از متون مورد توجه او بود و کاری که در حوزه کتابشناسی نَحج البلاغة و استناد آن کرده، بسیار ارزشمند است. به صحیفه سجادیه نیز عنایت داشت و شناسایی و کنکاش در منابع خطی و شناسایی میراث شیعی، متن همیشگی کار او بود. در زمینه کتابشناسی بجز «فهرس التراث»، در حاشیه الذریعة آقابزرگ طهرانی تحقیقی پر حجم سامان داد که منتشر نشده است. مرحوم استاد جلالی به ثبت شجره سادات اهمیت می داد و در دیدارهایی که با بسیاری از خاندان‌های سادات در دنیا داشت، اطلاعات نسبی بسیاری را یادداشت کرد. شجره‌نامه‌های کهن را ثبت و ضبط می کرد و در سلسله انتشارات خویش منتشر می کرد.^۲

۱. فهرس التراث کتابی است از دانشور فقید سید محمد حسین جلالی که عالمان شیعی را به ترتیب قرن (قرن یکم تا پانزدهم)، و در هر قرن به ترتیب سال وفات عالمان، آنها را فهرست کرده و ذیل نام هر کدام، برخی از مهمترین کتابهای آنان را با ذکر مشخصات چاپی و خطی یاد می کند.
۲. ایشان نسب‌نامه خویش را هم به صورت چند تابلو در آورد و به فرزندان خود سپرد. نسب‌نامه ایشان از این قرار است: سید محمد حسین ابن السید محسن ابن السید علی الحائری الکشمیری ابن السید قاسم شاه (که تا ایشان همه ساکن عراق بودند) ابن أحمد بن محمد میر وزیر کشمیری (که وزیر راجه علی شاه پادشاه کشمیر بود) ابن أحمد (مهاجر به سکر در هندوستان) بن میر حیدر شاه کشمیری ابن شاه مراد الثانی ابن شاه حسین (م. بعد از ۱۱۰۳ ق.) ابن شاه مراد الأول ابن میرزا حسین السزواری (که از سزواری به هندوستان مهاجرت کرد) ابن فخر الدین حسن (مشهور به سید میرزا) ابن شرف الدین محمد الثانی ابن شمس الدین علی الرابع ابن شرف الدین محمد الأول ابن شمس الدین علی الثالث (م. ۸۳۶ ق. که به سزواری مهاجرت کرده) ابن عمید الدین عبد المطلب الثانی (م. ۶۵۶ ق. آخرین نقیب بنی العباس که در کتاب العمدة، در منتهای نسب مذکور است) ابن تاج الدین حسن النقیب (م. ۶۵۳ ق. که فرزندش علم الدین در نقابت جانشینش شد) ابن شمس الدین علی الأول (م. ۶۰۲ ق.) ابن عمید الدین محمد ابی جعفر ابن ابی نزار عدنان (م. ۵۵۳ ق. مدفون در حرم امیر المؤمنین ۷ در نجف) ابن ابی الفضل عبد الله (م. بعد از ۴۷۶ ق.) بن

۳. استاد جلالی، چهل و چند سال عمر خود را در آمریکا گذراند. در بدو ورود به آمریکا، مدتی را در اوهایو و مدتی را نیز در ایندیانا گذراند و بعد برای همیشه به شیکاگو در ایلینوی آمریکا رفت. به رغم سختی‌های زندگی در غربت و دوری از دوستان و خویشان، از فعالیت علمی و پژوهشی و رسالت حوزوی خود هیچ نکاست، بلکه با عزم راسخی که در این سفر داشت، به فعالیت خود جنبه‌های مختلف داد و سخت تلاش کرد. اوی پس از آنکه در شیکاگو مستقر شد، مرکزی را بنیاد نهاد تا فعالیت پژوهشی و آموزشی خود را در آن متمرکز کند. این مرکز را، نه به سبک معمول امروزه و با صرف هزینه‌های متعدد برای ساختمان و ساختار

عمر المختار بن مسلم الأحول (ل از ۳۸۹) ابن ابي علي محمد (م. بعد از ۳۵۳ ق.) ابن محمد الأشر (م. ۳۵۰ ق.) ابن عبيد الله الثالث (م. ۲۹۰ ق.) ابن ابي الحسن علي الأكبر ابن عبيد الله الثاني ابن علي الصالح (راوی از امام رضا^۷ که از طوس به سوی مرو رفت و وفات او در مابشندان ایلام بود و مزار او آتجادر آبادی است که به نامش صالح آباد نامیده می‌شود) ابن عبيد الله الأعرج (که مزارش در آستانه علویان، نوقان استان سمنان است) ابن حسین الأصغر (م. ۱۵۷ ق. متولد و در گذشته در شهر مدینه) ابن الإمام زین العابدین علی بن الحسين بن علی بن ابي طالب:

۱. یک بار بر سر سفره به دختر خواهرم که لب به گوشت نمی زدگفتم چرا گوشت نمی خوری؟ گفت: من بر اصول گیاه خواری عمل نمی‌کنم. بلکه من اصولاً بدون گوشت بزرگ شدم و عادت به گوشت خوردن ندارم. آمریکای امروز را نیندید که گوشت حلال همه جاهست. در گذشته، سالی یک بار، پدرم می‌توانست مسیر طولانی تا شهر دیتروید را طی کند که مسلمانان بیشتری آجا بودند و از کسی که گوشت حلال داشت، گوشت تهیه می‌کرد و ما تقریباً سالی یک بار می‌توانستیم گوشت بخوریم. لذا - ما ساها با خوردن صیفی جات و سبزی‌ها روزگار گذراندیم.

علاوه بر سختی‌های زندگی در غربت، سختی زندگی در جامعه پرهزینه آمریکا هم بود، خاصه برای ایشان که ملتزم بود هم زندگی طلبگی داشته باشد و هم از وجوهات شرعی، استفاده نکند.

اداری، بل به سبک مشایخ خود، با حد اقل امکانات شخصی و در کتابخانه شخصی خودش برپا کرد و به آن عنوان The Open School (مدرسه آزاد) داد. این عنوان، به خاطر تأکید ایشان بود بر دسترسی آسان و رایگان به آموزش، که سنت عالمان اسلامی بود. مجالس درس ایشان، هم حضوری بود، هم با استفاده از هرگونه امکان ارتباطی از قبیل ارسال کتاب و مکاتبه، استفاده از تماس‌های صوتی و در سال‌های اخیر استفاده از اینترنت.

۴. بی‌توجهی او به وجوه پرهزینه مراکز علمی، ناشی از نشو و نما در نجف و در فضایی بود که فعالیت علمی و آموزشی، سبک و شیوه‌ای دیگر داشت و با حد اقل زمینه‌های ارتباط استاد و شاگرد فراهم می‌شد؛ همچنان که او و دیگر شاگردان استادش مرحوم علامه شیخ آقابزرگ طهرانی، در کتابخانه شخصی آن استاد بزرگ جمع می‌شدند و بهره می‌گرفتند. و همچنان که پدر همسر استاد جلالی، مرحوم محقق سید عبدالعزیز طباطبائی نیز در کتابخانه‌اش در طبقه بالای خانه‌اش، مشغول به شاگردپرووری و ارائه خدمات علمی و پژوهشی و راه‌اندازی و به ثمر رسانیدن تحقیق و نشر کتابهای حلقه‌ای از شاگردان و دوستان خود بود.

ای کاش، مجتمع‌های بزرگی که امروزه برخی نهادهای پژوهشی ما را در طبقات سیمانی و ستون‌های آهنین و ساختار اداری عریض و طویل خود بلعیده‌اند، اندکی از ثمرات و بهره‌وری آن حلقه‌های کوچک و فضاهاى علمی سنتی و به ظاهر محقر را داشت و برپایی برخی کنگره‌ها و اجتماعات عظیم، با توجهات و عنایات متعدد مالی و پرسنلی، یک مجلد از «الذریعة» و طبقات و یک مقاله از «اهل البيت فى المكتبة العربية»^۱ را به میراث علمی ما می‌افزود. حتی دیده‌ایم برخی از کارهای ارزشمندی

۱. «اهل البيت فى المكتبة العربية» عنوان کتابی است از علامه محقق کتابشناس مرحوم سید عبدالعزیز

که در زمینه میراث شیعی، در برخی از نهادهای بزرگ شکل گرفته، باز در حاشیه آن ساختارها و با یک همت و عزم شخصی - و نه در متن آن همه مؤسسه عریض و طیل - سامان گرفته است.

۵. از جمله سنت‌های علمی گذشتگان ما، پاسخ مثبت به هر طالب علم در هر پایه تحصیلی بود. یعنی چنانچه یک مبتدی، از بزرگی که مراحل بسیاری از تحصیل و تدریس را گذرانده، درخواست درس می‌کرد، اگر استاد در ساعات خود می‌توانست وقتی به او اختصاص دهد، جواب ردّ نمی‌داد و گویا احساس وظیفه می‌کرد تا زکات علمی را که دارد، در هر پایه که باشد، به هر طالبی که خداوند بر سر راه او قرار داده است، بپردازد.

ما این را در تراجم عالمان بزرگی مثل مرحوم شیخ مرتضی طالقانی و آیت الله خویی و امثال ایشان رضوان الله علیهم اجمعین دیده‌ایم. شیوه مرحوم استاد جلالی نیز در این مدرسه آزاد همین بود؛ از آموزش‌های ابتدایی به تازه‌مسلمانان گرفته تا دروس عالی حوزه در فقه و حدیث و فلسفه و تاریخ، و آموزش تحقیق و تتبع در متون را، بنا به اقتضای جلساتی که برپا می‌شده است، همه را شامل می‌شد. در سطوح بالاتر، روش ایشان در فارغ‌التحصیل کردن شاگردان در هر مقطع و هر رشته، ارائه یک پژوهش شایسته از سوی شاگردان بود. ایشان حتی برای کسانی که دروس حوزی را آغاز می‌کردند، مجموعه‌ای جمع و تصنیف کرده بود با عنوان «نصوص الدراسة فی الحوزة العلمية» و آن را در برنامه آموزشی مدرسه قرار داده بود.

طباطبایی، که در آن مشخصات کتابهایی از اهل تسنن را که به صورت تک نگاشت به زبان عربی در باره اهل بیت نوشته‌اند، اعم از چاپی یا خطی، با توضیح کوتاه یا مفصل، بیان می‌دارد. در این کتاب، بیش از ۸۰۰ کتاب معرفی شده‌اند.

۶. از دیگر فعالیت‌های ایشان، انتشار برخی متون در آمریکا بود. آنچه را که در حین بررسی منابع کهن و واری متون و کنکاش در کتابخانه‌ها، شایسته می‌دید تا در دسترس محققان و اسلام‌پژوهان قرار گیرد، از رساله‌های کوچک خطی گرفته تا کتاب‌های حجیم‌تر، همراه با مقدمه‌ای در معرفی آن کتاب و نسخه، در سلسله انتشارات مدرسه آزاد، منتشر می‌کرد.

علو همت ایشان وقتی معلوم می‌شد که بدانیم این حجم از کار، هیچ پشتیبانی مالی نداشته است. شکل و شمایل کتابهای انتشارات The Open School هم گواه آن است. ایشان آن رسائل خطی و کتاب‌ها را با مقدمه‌ای که بر آنها می‌نگاشت بعینه به تعداد محدودی در حدود پنجاه تا یکصد نسخه، و با کمترین امکانات و با هزینه شخصی چاپ می‌کرد. بعلاوه با هزینه شخصی خویش، آنها را به اداره پست می‌سپرد و برای آدرس‌هایی از کتابخانه‌ها، مراکز پژوهشی و محققانی که در آمریکا و اروپا و آسیا و خاورمیانه و آفریقا - یعنی در تمام ربع مسکون می‌شناخت و گمان می‌برد این آثار به کار آنان بیاید - بی‌هیچ چشمداشتی پست می‌کرد. وی امید داشت که هرچند کیفیت چاپ پایین است، اما اگر پخش شود، از بین نرفته و در آینده به وجه بهتری منتشر خواهند شد.^۱

۷. این چنین تعهدی که سالهای سال بدان پایبند بود، ولع او را برای محفوظ ماندن آن رسائل و کتابهای خطی و انتشار آنها برای شناساندن میراث اسلامی نشان می‌داد.

۱. همچنان که کتابی را که در شرح حال استادش مرحوم علامه شیخ آقابزرگ طهرانی رحمه الله علیه نوشته بود، به دلیل کمبود امکانات به صورت دستخط خود چاپ کرد و وقتی به دست جناب آقای ابهری سلمه الله مدیر محترم سابق کتابخانه مجلس در تهران رسید، آن را به شکل مطلوب و باتیراژ بالا از سوی انتشارات کتابخانه مجلس منتشر کردند.

همت و عزم او برای ارائه سخنرانی‌هایی درباره شناخت جوهر تشیع در سمینارهای علمی متعدد در آمریکا و چند بار در اروپا و چین و روسیه، نشانه یک تعهد دینی و احساس وظیفه انسانی بود که در درون او به قوت شکل گرفته بود. این تعهد، خود را گاه در رفتار اجتماعی نیز نشان می‌داد که جدای از فعالیت‌های علمی و تحقیق و خواندن و نوشتن، به جامعه اقلیت شیعی آمریکا توجه نشان می‌داد و اقدام به فراهم کردن کلاس‌هایی برای کودکان و نوجوانان آنان نمود. حتی برخی فعالیت‌های اجتماعی از قبیل اقامه عزای محرم در دسته‌هایی که برای آنها تشریح‌های سیاه یکدست، با احادیثی که به زبان انگلیسی بر آنها نوشته بود فراهم می‌کرد تا مورد توجه قرار گیرند. از خدمات اجتماعی او، اهتمام برای تهیه قبرستان در آرلینگتون برای شیعیان بود که بنا به وصیتی که کرده بود، پیکر خود او نیز در آنجا به خاک سپرده شد.

و سر انجام ...

استاد جلالی، در یازدهم نوامبر ۲۰۲۰، پنجم ربیع الآخر ۱۴۴۲ قمری، بعد از یک هفته بیماری، در حالی که فرزندان و شاگردان و دوستانش بر او حلقه زده بودند، در خانه خود در شیکاگو از دنیا رفت. رحمة الله و رضوانه علیه.^۱

آثار استاد جلالی

۱. دراسة حول القرآن الكريم
۲. دراسة حول نهج البلاغة
۳. مسند نهج البلاغة
۴. دراسة حول الصحيفة السجادية
۵. دراسة حول الأصول الأربعمائة
۶. إجازة الحديث

۱. با انتشار خبر ارتحال استاد جلالی، بسیاری از شخصیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی، با اظهار اندوه از فقدان ایشان، پیام‌های تسلیت خویش را منتشر کردند و برخی شعرا، ماده تاریخ وفات ایشان را در ایاتی سرودند.

۷. البدیعة فی تلخیص الذریعة
 ۸. کشف الحجب عن أسانید الکتب
 ۹. الاكتفاء فیما روی فی أصحاب الکساء
 ۱۰. تلخیص الذهب من لسان العرب لابن منظور (۳ جلد)
 ۱۱. درایة الحدیث
 ۱۲. شرح الأربعین النبویة
 ۱۳. غایة الأمانی فی حیاة شیخنا الطهرانی
 ۱۴. فهرس التراث (۲ جلد)
 ۱۵. لباب النقول فی موافقات جامع الأصول
 ۱۶. تهذیب المبانی الأصولیة
 ۱۷. شرح زیارة الجامعة الصغیرة
 ۱۸. مزارات أهل البیت وتاریخها
 ۱۹. غایة الآمال فی طبقات الرجال
 ۲۰. معجم الأحادیث
 ۲۱. موارد الاعتبار فی سیرة النبی المختار وآله الأطهار
 ۲۲. أوضح البیان فی تفسیر القرآن
 ۲۳. نصوص الإجازات
 ۲۴. الفوائد المنتقاة
 ۲۵. التحریف والتصحیف
 ۲۶. الصیانة
 ۲۷. المؤتلف من أحادیث السلف
 ۲۸. المحاکمات بین التعليقات
 ۲۹. صورة من الحیاة فی سبیل الله
 ۳۰. المستدرک (شامل استدراک بر همه مؤلفات خود ایشان)
 ۳۱. مسند الإمام موسى بن جعفر (تحقیق)
 ۳۲. أحادیث دینیة
 ۳۳. أحكام النساء
 ۳۴. مصادر الحدیث عند الشیعة الإمامیة
 ۳۵. ضوء المشکاة فی سلسلة الرواة
 ۳۶. التحف فی نوارد مخطوطات النجف
 ۳۷. الصلاة علی مذهب أهل البیت: سلسلة الرواة للإجازات والأثبات
 ۳۸. الصلاة علی مذهب أهل البیت: سلسلة الرواة للإجازات والأثبات
 ۳۹. ضیاء الزیت فی قراءة أهل البیت
 ۴۰. الإجازة العزیزة
 ۴۱. الجوهر الفرید فی مهام الأسانید
 ۴۲. أجوبة المسائل الدینیة
 ۴۳. جواهر اللآلی فی سلسلة آل الجلالی
 ۴۴. فهرس الرجال فی موجز الأحوال

إجازات روائی استاد جلالی:

از علمای شیعه:

۱. شیخ آقابزرگ طهرانی

۲. سید محسن جلالی (پدر استاد جلالی)

۳. سید محمد مهدی کاظمی خوانساری

۴. سید محمد صادق بحر العلوم

۵. شیخ محمدرضا طبسی

۶. سید حسن بجنوردی

۷. شیخ محمد صالح حائری مازندرانی

۸. سید محمدرضا گلپایگانی

۹. سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۱۰. سید محسن حکیم

۱۱. سید هبة الدین شهرستانی

۱۲. شیخ محمدرضا بن محمد تقی اصفهانی حائری

۱۳. سید محمد طاهر موسوی بلادی بحرانی

۱۴. شیخ یوسف خراسانی حائری

۱۵. دکتر حسین علی محفوظ^۱

از علمای زیدیه:

۱. السید مجد الدین المؤیدی الحسنی الصعدی الضحیانی

۲. الشيخ حمود المؤید الحسنی الصنعانی

از علمای اهل سنت:

۱. الشيخ حمدی العبیدی الأعظمی البغدادی الحنفی

۲. الشيخ أمجد الزهاوی الکردی البغدادی الحنفی

۱. این اجازه مدبجه است. یعنی هر دو طرف اجازه مجیزند و مجاز.

۳. السيد علوی بن عباس المالکی المکی (مدرس در مسجد الحرام)
۴. الشيخ محمد بهجۀ الدمشقی (معروف به بیطار)
۵. الشيخ محمد یاسین الفادانی الأندونسی المکی
۶. السيد عبدالله بن محمد بن صدیق الغماری (از بزرگان طنجه در مراکش)
۷. السيد إبراهيم بن عمر بن عقیل الحسینی الیمنی الشافعی
۸. الشيخ عبد الغنی الدقر الحسینی الدمشقی الشافعی
۹. الشيخ محمد بن أحمد القادری (ملقب به أخضر، آخرین نقیب الأشراف در سوریه)
۱۰. الشيخ عبد الرحمن بن عبد الرحمن الشاغوری
۱۱. الشيخ یوسف عرار الحسینی الدمشقی
۱۲. الشيخ محمد أمين سراج الحنفی الاسطانبولی

تقدم :

بسم الله الرحمن الرحيم

دوبعد فتحك انت زيارتي لدار الكتب الظاهرية دمشق ^{سنة ١٣٨٨ هـ}
قد اتاحت لي فرصة تمنية للوقوف على طائفة من نفائس المخطوطات ودار
التراث . وكان منها هذا الكتاب النادر - الذي لم اجله نسخت ثانية -
لؤلؤة ابي عمران موسى بن ابراهيم المروزي ، يروي فيه جميع الاثار
عن الامام موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام) وقد جاء اسم الكتاب في مطاوع
السمات والفتاوى باسم : (مسند الامام موسى بن جعفر) .
وذكره الشيخ ابو العباس احمد بن علي النجاشي الموفى سنة ٤٥٢ هـ بطبعته بعنوان
الكتاب كجا و ذكره الشيخ ابو جعفر عمير بن الحسن الطوسي المتوفى سنة ٤٦٢ هـ

(روايات) .
وما كان من سوء استنساخ الكتاب وتجزؤ اصاويره من مصادر
مما وقع الوقت وساعد التوفيق والبيك هذه الدرلة الترافقة
حول الكتاب والمؤلف ، فاعلمها بقي ببعض حواشي الموضوع .
(وما توفيق الابا به علم توكلت واليه انيب)

الراعي عفو به
محمد بن الحسين الجبالي

الخبز الاشرف

في شهر صفر / ١٣٨٩ هـ

يادداشت محقق جلالی در مورد مسند امام کاظم ۷

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت قاسمی پسر از عرفان سلام دارا است چند سیر دوره طبقات
اعلام الشیعه از قرن چهارم تا قرن دوازدهم که از چاپ در آمده بر سید است
بر سر شاخه فرستادم امیدوارم برسد باشد و در جدول آنجا اعلام نیز باشد و اگر
نرسیده است آدرس صحیح بر سید دوباره بنویسم فصد از اول تا قرن
دوازدهم مرتب چاپ شده است و قرار است ایش با هم تا آخر چاپ
شود قیمت چاپ ششتره قرنی چنانچه اول نزاع و کار نزدی موجود است
قطب قیمت چاپ شده قرن سیزدهم معقول شده است در انتقال از کشف
به ایران
دان ای انداخته چاپ ششتره از قرن سیزدهم که خدمت شایسته و قسم بود
از آن به خط بعضی گردان شده بود که مرقم کردن امر یکم بود مایه فتوکپی بود
و از محمد بن بعد که فتوکپی از نسخه اصل بود فتوکپی شد فصد اگر محبت
کنید قسمتی که به خط بعضی گردان شده بود مورد محبت است تا آنکه
قرن سیزدهم و چهاردهم کامل چاپ شود و طبقات دوره ششتره
می شود به طایفه ری شیخ الطائفه شیخ بزرگوار صاحب کتب
اگر فتوکپی زیر یکس می شود بهتر اگر نه عین آنرا بنویسند در این کتاب
می شود عیناً سالامی گردانیم محبت کنید بر سید است
نیز سید به هر طور موعود میدانید و اگر کسی در آنجا باشد
اینرا تایید کند یا استنسخ کند بنویسند پس را بر دارم
علیه السلام به هدیه ام محمد علی استنسخ کند بنویسند
و آدرس محمد علی را هم در سرور بر ما بنویسید که اگر رفت
سوره بنویسم او را به بینم
شماره فاکس قم ۷۴۱۴۰
روز دوازدهم از المومنین علیه السلام
۱۴۱۶

نامه محقق کتابشناس سید عبدالعزیز طباطبایی به مرحوم استاد جلالی برای چاپ کتاب طبقات اعلام الشیعه شیخ آقا بزرگ تهرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المجود رب العالمين، والسلام على سيدنا وولانا في المقام حين يمشى
خاتم النبیین وعلی اوصیائه، لانه المصنوع الحاطب منة لرحمة الیفة الکتاب

وعید

المبین صحائف الختام یوم الیقین

تاه البید عند الفرة الثوب المصنوع الشارک منی منزلة الولد البید ورحمة
فجل العلاء الجبل للبحر البید بحسب الحسنة الجلاله الطاری المولود الخفا. زاد اصة ووقفان
فداستجائة في المرط بر قبل سنوات فكذب له جازة عامة تخصه كنصح بها رواية عن
ماضفة عملاً المسلمين من الاصول والكاتب من صدر الاسلام حتى الميوت فهو مجاز عن ذلك
ولقد اكثر من الزود الى مكنتي المرفوضه من (٧٥٠هـ) لانقطاع طلاب النجف الاثر فكان
بشغل بطالعة ما فيها من الكتب بسنقيد من مطبوعها وخطوطها البلادها واران
في كثير من البلاد البيوت في المكتبة مشغولا بالفحص والتنقيب لا يخرج مجرولاً من السط
والموسوعة فحور و معلومة من جهة المطالعة والكتابة والاستفادة تاركاً لكل ولا يريد
والنوم ولا تغرأه الا طلوع الشمس فقال بهذا السعي يبيع مفاهاشاً فاحواجر من النضال
معلقاتاً يستهان به وذلك من فضل الله القلا خضر به فلم يفر في سائر الشبان من ان يترك تلك
فقال الله جل جلاله زيادة الشرف لهذا البطل الجلاله الشفيق

ولقد كنت انا وله بعض تلك الكتب واعرض عليه بعض خصوصياتنا واشرح له رغبة
مؤلفه واطلمه على بعض فواته وادكر له فهرس مطالبه واقرأ عليه بعض مواضعه ووسم
او هو يخطي وانا مسره وبالاضحى لخطوط التي يخطي من نال يقى لو منصف غير ذلك
وفى البعد المخرى البير كنه كنه في عني لسا ولا اخذ اليمين من الما طرة
والعرض والسلم مني والقرآن على والا سماع مني ما اعلام بانه خطي او ان يخطي
فاجبت مسالته ونزلت عند رغبته وكنت من الجملة بيني المرفضة في مكنتي الطاعة
في السادس عشر من محرم الحرام مقام سبعة وثمانين وثلاثمائة والف وانا الفقة الشيرازي بركة الطهارة



اجازه روايت حديث از علامه شيخ آقا بزرگ تهراني برآي محقق جلالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف خلقه وخير رسله
 محمد سيد الاولين والآخرين واهل بيته الطيبين الطاهرين وا
 لعن لعنهم على عدائهم اجمعين ابا المجددين ودهم المأثورين
 وبعد فان جناب العالم العامل والفاضل الكامل جامع المعقول
 والمنقول حاوي الفروع والاصول الورع التقى الاغاسين
 الجلالى الحائرى دامت افاضته وكثر الله في العلماء العالمين
 امثاله ممن اعتكف في النهى للاشرف برهته من الزمان تصليل
 العلوم الشرعية وتشيين المباني الفقهية وتحقيق المسائل للاسئلة
 وحضر على الاساطين ولدى الاحقر حضور تفهيم وتحقيق وتمنى
 وتذيق وبلغ مناه وفاق الاقران ومارم تيرة الاجتهاد مقرة
 بالصلاح والسمعة واستل الله تعالى ان يجعله ذخر العباد
 حصنا حصينا للبلاد فله تعالى دترة وعليه سبحانه اجره
 واستل ان لا ينساني من الدعاء صلح زيجته المرام ۱۳۹۹
 حسن الموسوي الجنوردي



گواهی اجتهاد مرحوم جلالی از آیت الله میرزا حسن بجنوردی